

مفروضات - در بیان مقام انسان و

ترقیات او بعد از صعود

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



در بیان مقام انسان و ترقیات او بعد از صعود - مفروضات

- اثر حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه طبع سنه ۱۹۰۸

م

چون در کائنات بصر بصیرت نظر کنیم ملاحظه شود که محصور در سه قسم است یعنی کلیاتش یا جماد است یا نبات است یا حیوان سه جنس است و هر جنسی انواع دارد . انسان نوع ممتاز است زیرا دارنده کالات جمیع اجناس است یعنی جسم است و نامی است و حسّاس است با وجود کمال جمادی و نباتی و حیوانی کمال مخصوص دارد که کائنات سائر محروم از آنند و آن کالات عقلیه است پس اشرف موجودات انسان است . انسان در نهایت رتبه جسمانیّت است و بدایت روحانیّت یعنی نهایت نقص است و بدایت کمال در نهایت رتبه ظلمت است و در بدایت نورانیّت . این است که گفته اند که مقام انسان مقام نهایت شب است و بدایت روز یعنی جامع مراتب نقص است و حائز مراتب کمال جنبه حیوانیّت دارد و جنبه ملکیت . و مقصود از مربیّ اینست که نفوس بشریه را تربیت بکند تا جنبه ملکیت بر جنبه حیوانیّت غالب شود . پس اگر در انسان قوای رحمانیه که عین کمال است بر قوای شیطانیه که عین نقص است غالب شود اشرف موجودات است اما اگر قوای شیطانیه بر قوای رحمانیه غالب شود انسان اسفل موجودات گردد اینست که نهایت نقص است و بدایت کمال و ما بین



ORIGINAL



AUDIO

هیچ نوعی از انواع در عالم وجود تفاوت و تباین و تضاد و تخالف مثل نوع انسان نیست . مثلاً تجلی انوار الوهیت بر بشر بود مثل مسیح پس ببینید که چقدر عزیز و شریف است و همچنین پرستش و عبادت حجر و مدر و شجر نیز در بشر است ملاحظه نمائید که چقدر ذلیل است که معبود او انزل موجودات است یعنی سنگ و کلوخ بی روح و کوه و جنگل و درخت و چه ذلتی اعظم از اینست که انزل موجودات معبود انسان واقع گردد . و همچنین علم صفت انسانست جهل صفت انسانست صدق صفت انسانست کذب صفت انسانست امانت صفت انسانست خیانت صفت انسانست عدل صفت انسانست ظلم صفت انسانست و قس علی ذلک مختصر اینست که جمیع کمالات و فضائل صفت انسان است و جمیع رذائل صفت انسان . و همچنین تفاوت بین افراد نوع انسانرا ملاحظه نمائید که حضرت مسیح در صورت بشر بود و قیافا در صورت بشر حضرت موسی انسان بود و فرعون انسان هابیل انسان بود و قابیل انسان جمال مبارک انسان بود یحیی انسان اینست که گفته میشود انسان آیت کبرای الهی است یعنی کتاب تکوین است زیرا جمیع اسرار کائنات در انسان موجود است . پس اگر در ظل تربیت مربی حقیقی بیفتد و تربیت شود جوهر الجواهر گردد نور الانوار شود روح الارواح گردد مرکز سنوحات رحمانیه شود مصدر صفات روحانیّه گردد مشرق انوار ملکوتی شود مهبط الهامات ربّانی گردد و اگر چنانچه محروم بماند مظهر صفات شیطانی گردد جامع رذائل حیوانی شود مصدر شوئون ظلمانی گردد . اینست حکمت بعثت انبیا بجهت تربیت بشر تا این زغال سنگ دانه الماس شود و این شجر بی ثمر پیوند گردد و میوه ای در نهایت حلاوت و لطافت بخشد . و چون باشرف مقامات عالم انسانی رسد آن وقت دیگر ترقی در مراتب کمالات دارد نه در رتبه زیرا مراتب منتهی شود لکن کمالات الهیه غیر منتهای است پیش از خلع این قالب عنصری و بعد از خلع ترقی در کمالات دارد نه در رتبه . مثلاً کائنات منتهی بانسان کامل گردد دیگر یک موجودی بالاتر از انسان کامل نیست لکن انسان که برتبه انسان رسید دیگر ترقی در کمالات دارد نه در رتبه چه که دیگر رتبه ای بالاتر از انسان کامل نیست که انسان انتقال بآن رتبه کند فقط در رتبه انسانیت ترقی دارد زیرا کمالات انسانیّه غیر منتهایست مثلاً هر قدر عالم باشد مافوق آن تصور گردد و چون کمالات انسانیّه غیر منتهای است پس بعد از صعود از این عالم نیز ترقیات در کمالات تواند نمود .